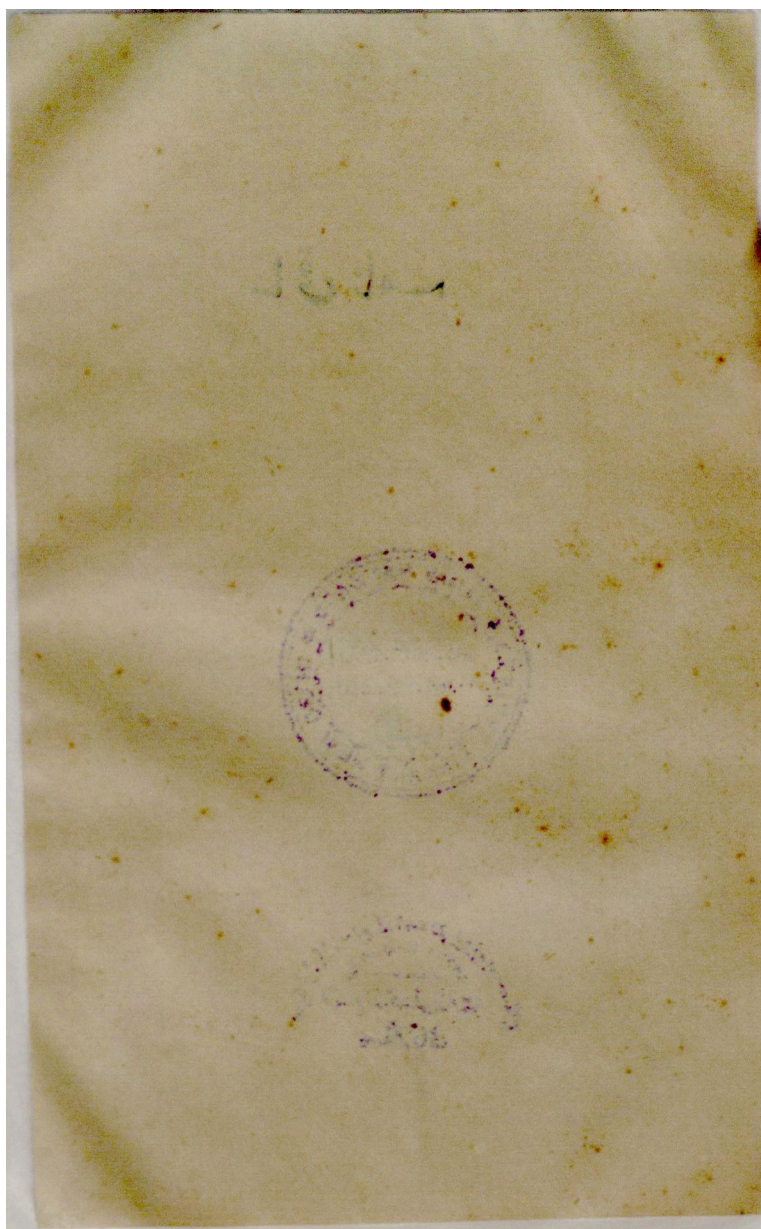
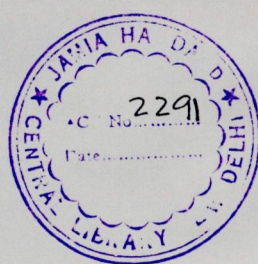




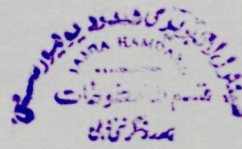


چرا می ترسم بهار آمد است نهال زلفم بهار آمد است
گشیدم در گزوان برکن و خوا بروینیک پر و جوان را
بهار است ز کس نهی گرفت بروی من لاله سیر گرفت
بهار است بی می جویت بر او دل نادر اگر است
بهار است ای ماهه خواران قمار است تکمیل و افطه دار
بهار است می خفتن خنده باد جهان می نشینی جادوی جاد
بهار است زخت و زنج کین کرد می کینه دارد شکون سالی نو
بهار است کجیل بر آورده خوش بکنده است بینای قتل و قوا
بهار است کوسا قی جان قوا که آمد لطافت بسیر هوا
بهار است ز دانه چمن سبزی جهان کن را سبازک نمود
بهار است چمن گشت شکست بر شکلی آمد اردی بهشت
بهار است چمن که پیش مردکی بهوار ز دم ریخت
بهار است در ایام گل کجکها که کرد
بهار است به سیرند کرد

ساقی نامہ



مودنا ظہوری نور الدین ترشیزی



۲۲۹۱ ۲۱/۱/۲۰۰۱

[illegible]